نام مقاله: بررسي علل و عوامل خروج كتب خطي از ايران و راه هاي مقابله با آن

نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)

شماره نشريه: 54 \_ شماره دوم، جلد 14

پديدآور: رضا خاني پور

مترجم:

چكيده

مجموعه ميراث فرهنگي هر كشور، از جمله يادگارهاي ارزشمند و گنجينه‌هاي بي‌بديل مادي و معنوي آن ملت به شمار مي‌رود. ميراث فرهنگي، دستاوردهاي بشري است كه بيانگر زيرساختهاي فكري، علمي و اجتماعي جوامع است و هويت آنها را متجلي مي‌سازد. در اين حوزه، ايران داراي جايگاهي بس رفيع و ارزنده است. ايران با پيشينه چندين هزار ساله خود، همواره در بين ملتها بر تارك تمدن بشريت درخشيده است.

كتابهاي خطي ايران در ميان مواريث فرهنگي جهان، جايگاهي ويژه دارند؛ زيرا هر يك به نوعي تجليگاه علوم، فنون و هنرهاي گوناگون بشر و بخصوص نسل پيشرو و هوشمند ايراني، قلمداد مي‌شوند.

در پژوهش حاضر، با روش سندي، عوامل خروج نسخه‌هاي خطي از كشور و راه‌هاي مقابله با اين پديده بررسي و تجزيه و تحليل شده است. پديده‌هايي همچون سرقت، خروج قانوني و غير قانوني (قاچاق) كتابهاي خطي، از منظرهاي گوناگون بررسي شده‌اند. همچنين، نقش و وظايف دولت، كتابخانه‌ها و مجموعه‌داران تبيين شده است. از جمله مهم‌ترين موارد در رابطه با خروج كتابهاي خطي مي‌توان به عوامل حفاظتي، امنيتي، فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، سياسي، حكومتي و قانوني اشاره نمود.

كليدواژه‌ها: كتابهاي خطي، خروج از كشور، علل خروج، نسخه‌هاي خطي، راه‌هاي مقابله، راه‌هاي پيشگيري.

مقدمه

حفظ و ارج نهادن ميراث فرهنگي، صيانت از هويت ملي و تاريخي است. مجموعه آثار فرهنگي تاريخي ملل، بيانگر قدمت زيرساختهاي فكري و زيربناي علمي آنان است. توجه به اين هويت، پشتوانه و سند مكتوب زوايايي آشكار و پنهان از فرهنگها، تمدنها، آداب و رسوم، شيوه‌هاي زندگي، تاريخ علم و مواردي جز آن را متجلي مي‌سازد.

عملكرد و مكتوبات علمي پژوهشي باستان شناسان و مورخان خارجي طي قرون متمادي در حوزه ايران شناسي، مبيّن ميزان اعتبار و ارزش اين آثار براي جهانيان است. امروزه آثار بسيار نفيس هنر باستاني ايران رونق افزا و زينت بخش موزه‌هاي جهان همچون لوور پاريس، لنينگراد مسكو، بريتيش ميوزيوم لندن و جز آن است.

به شهادت محققان و آنچه از هزاران گنجينه در اين مملكت به دست آمده، بدون شك ايران را از نظر تمدن، تاريخ و مواريث فرهنگي در زمرة شاخص‌ترين كشورهاي جهان قرار مي‌دهد و شايد به همين علت در دورانهاي مختلف مورد تاخت و تاز غارتگران و سودجويي طمعكاران قرار گرفته است.

در اين حوزه، نخبگان فكري جامعه، گروه‌هاي پژوهشگران، نهادهاي ذيربط حكومتي و غيرحكومتي، سازمانهاي فرهنگي در كنار رسانه‌هاي جمعي و اصحاب مطبوعات، بايد با نظمي ارگانيك درصدد حفظ و اشاعه اين مواريث بي‌بديل برآيند. فرايند گردآوري، حفاظت، سازماندهي، اشاعه محتوا و اطلاع‌رساني در شكلهاي مختلف، ضمن آسيب‌شناسي جدي مبتني بر يافته‌هاي پژوهشي، مي‌تواند جايگاه از دست رفته يا كم رنگ شده اين ميراث ارزشمند را احيا و بازسازي نمايد.

يكي از دستاوردهاي گرانبهاي اين‌گونه پژوهشها، ايجاد ارتباط تنگاتنگ ميان نسل جوان ايراني با پيشينة غني فرهنگي است. در نتيجه، گسستگي و شكاف مي‌تواند به پيوندي معنادار مبدل شود. نسلي كه متأسفانه گاهي در عرصه‌هاي علمي ـ فرهنگي مقهور فناوري غرب شده و دست و فكرش را براي هرگونه ابتكار، خلاقيت و نوآوري بسته است. گاهي زبان و قلمش صرفاً ترجمان نظريه‌هايي است كه حتي زحمت دخل و تصرف و نيز بومي‌سازي آنها را به خود نمي‌دهد. اين همه در حالي است كه نسل فعلي با كمي بررسي و كنكاش مي‌تواند اصل و منشأ بسياري از اين پيشرفتهاي پسامدرن را در گستره و فراخناي فرهنگ و تمدن غني و پيشينه پربهاي خود، رديابي نمايد. به نظر نگارنده:

سنت و تجدد در مقابل يكديگر نيستند، بلكه در كنار هم و در پيوندي تنگاتنگ قرار دارند. تجدد، سنتي است كه در ژرفاي زمان به بالندگي رسيده است.

بيان موضوع و مسئله پژوهش

موضوع و حوزه بحث پژوهش حاضر، ناظر بر وجهي از كتابهاي خطي است. مسئله‌اي كه در اين تحقيق به آن خواهيم پرداخت، عبارت است از:

«بررسي علل و عوامل خروج كتابهاي خطي از ايران و راه هاي مقابله با آن»

پرسشهاي اساسي

1. چرا نسخه‌هاي خطي از كشور خارج مي‌شوند؟

2. نسخه‌هاي خطي چگونه از كشور خارج مي‌شوند؟

3. چگونه مي‌توان از خروج نسخه‌هاي خطي جلوگيري نمود و راهكارهاي مقابله با اين پديده چيست؟

4. نقش و وظايف دولت، كتابخانه‌ها و مجموعه‌داران در اين ارتباط چيست؟

5. چگونه و از چه طريقي مي‌توان آثار خارج شده را به وطن باز گرداند؟

هدفهاي پژوهش

در اين پژوهش برآنيم تا به هدفهاي زير دست يابيم:

1. حفظ ميراث مكتوب از سرقت و خريد و فروش غير قانوني.

2. ممانعت مؤثر از خروج بي رويّه نسخه‌هاي خطي كشور به خارج از مرزها.

3. شناسايي و هويت بخشي قانوني نسبت به كتابهاي خطي و محافظت و توجه بيشتر در اين حوزه.

4. بازنگري و تدوين آئين‌نامه‌ها و دستورالعملهاي قانوني، اخلاقي و ... در جهت دستيابي به هدفهاي پژوهش.

5. ارائه راهكارهايي قانوني با هدف باز گرداندن آثار ارزشمند خارج شده تا حد امكان.

6. تبيين نقش و وظايف دولت؛ مالكان نسخه‌ها، مجموعه‌داران، كتابخانه‌ها و افكار عمومي در حوزه مورد بحث.

محدويتها و موانع پژوهش

موضوعاتي از اين دست اغلب از جهت كسب اطلاعات صريح، صادقانه و كامل با اشكالهاي زيادي مواجه مي‌شود. مهم‌‌ترين موانع و محدوديت، عبارتند از:

1. برخي از پيشكسوتان فقط مشكلات اين حوزه را يادآور شده‌اند، ولي راهكاري جهت رفع آنها ارائه نكرده‌اند.

2. برخي ديگر ترجيح مي‌دهند سكوت اختيار كنند و همواره بي‌تدبيريهاي دولتي و اشخاص، خيانتها، زد و بندها، سوداگري‌ها و ... را متذكر مي‌شوند.

3. از تعداد ده نفر متخصص حوزه نسخه‌هاي خطي كه سؤالها برايشان ارسال گرديد، چهار نفر پاسخ كتبي دادند. يك نفر نيز شفاهي پاسخ داد.

پيشينه پژوهش در ايران

در ارتباط با حوزه بحث حاضر، مقاله‌هايي به رشته تحرير درآمده كه هر يك ناظر بر وجهي از موضوع است. اهم آنها عبارتند از:

1. مهدي بياني در مقاله «سرگذشت حسرت‌انگيز يكي از نفيس‌ترين نسخه‌هاي خطي فارسي» در سال 1329 به سرگذشت تأسف‌انگيز كتاب خطي «هداية المتعلمين في الطب» تصنيف ابوبكر ربيع بن احمد الخويني بخاري، شاگرد رازي، مي‌پردازد. اين نسخه منحصر و بسيار نفيس، به صورت قاچاق به لندن رفت. مرحوم بياني كه در آن زمان رئيس كتابخانه ملي بود، با وجود

حمايتهاي زياد وزير فرهنگ وقت ـ اسماعيل مرآت ـ نتوانست مانع خروج اين نسخه از كشور شود (بياني: 503 – 505).

2. علي‌اكبرخان محمدي در مقاله‌اش با عنوان «نسخ خطي در قلمرو و ميراث فرهنگي» (1376)، پس از نگاهي گذرا به امور مرتبط با نسخه‌هاي خطي، از جمله موارد تزئينات (نسخه‌شناسي)، كتابشناسي، كتاب‌سازي و كتابداري، به ذكر مطالبي در خصوص حفظ نسخه‌ها در مقابل عوامل و آفات بيولوژيكي مي‌پردازد. وي در انتهاي مقاله خود مي‌افزايد، در حالي كه قبل از انقلاب سير نسخه‌هاي خطي ربوده شده و به خارج رفته براي عرضه و فروش به ايران سرازير بوده و بودجه‌اي نيز بدين منظور اختصاص داده شده بود، پس از انقلاب به علت بي‌توجهي مسئولان وقت و نبود بودجه لازم براي حفظ مواريث فرهنگي كشور، جهتي عكس پيدا كرد (خان محمدي: 6).

3. رسول جعفريان در مقاله «نسخه‌هاي مهاجر» پژوهشي دربارة انتقال كتابهاي كهن خطي شيعي از سرزمينهاي عربي به ايران در آغاز دوره صفوي انجام داده است. وي تصريح مي‌نمايد كه در دوره ياد شده، آثار فقهي بسيار مهمي از كشورهاي عراق و بحرين به ايران انتقال يافت. بر اساس اين پژوهش، شواهد و قراين حاكي از آن است كه بسياري از آثار علامه حلي (م 26 ق.) و حوزه درسي وي، تقريباً به سلامت به دست عالمان دورة صفوي افتاده است (جعفريان: 5).

4. ايرج افشار در مقاله «مالكيت و خريد و فروخت نسخه‌هاي خطي در گذشته» به مواردي چند در اين موضوع اشاره كرده است. موضوعات مهم مقاله ايشان، عبارتند از:

الف) راه‌هاي تملك و تصاحب نسخه (خريدن، بخشيدن، سفارش دادن، ارث بردن، دزدي، غارت، به امانت گرفتن و وقف كردن).

ب) خريد و فروش نسخه‌هاي بهاي كتاب ج) وراقي و دلالي نسخه‌هاي خطي د) هزينه‌هاي تهيه نسخه شامل مخارج كتابت، بهاي كاغذ، دستمزد صحافي، قيمت مصالح جلد ﻫ) كتابفروشي‌ها و فروشندگان نسخه‌هاي خطي (افشار: 47 – 58).

5. اكرم مسعودي در مقاله‌اش با عنوان «نسخه‌هاي خطي ميراث و هويت فرهنگي ملتها» اشاره مي‌كند كه نسخه‌هاي خطي ميراث فرهنگي ملتها محسوب مي‌شوند و هويت فرهنگي هر كشوري را بايد در لابلاي برگهاي نسخه‌هاي خطي جستجو نمود. ايشان تأكيد مي‌نمايد كه واجب است پشتيبان و نگاهدارنده اين ميراث گرانسنگ باشيم. (مسعودي: 41 – 42).

6. منصور صفت‌گل در مقالة خود با عنوان «خريدي شگفت‌انگيز از نسخه خطي منحصر به فرد» به ماجراي خريد كتاب «غرائب الفنون و ملاح‌العيون» با قيمتي هنگفت مي‌پردازد كه در نوع خود خواندني است (صفت گل: 202ـ212). اين نسخه عربي كه تصاوير بسيار نفيس، علمي و منحصر به فرد دارد، در موضوع جغرافيا و نجوم متعلق به قرن پنجم ه‍ .ق. است. كتابخانه بودليان[1] متعلق به دانشگاه آكسفورد انگلستان كه يكي از كتابخانه‌هاي مهم دانشگاهي جهان است، اين كتاب را در سال 1381 به مبلغ 500 ميليون تومان خريداري نمود.

7. ايرج افشار در سال 1381 در مقاله‌اي با عنوان «طرح تملك نسخ خطي: طرح چيست؟ تملك كدام است؟» به ارزيابي و نقد «طرح ثبت و تملك كتب و اسناد خطي و نادر» پرداخت.

اين طرح توسط كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران در سال 1382 به كميسيون فرهنگي مجلس شوراي اسلامي ارائه شد و مناقشات زيادي را برانگيخت.

ماده اول: تملك كتب و اسناد خطي و نادر بلامانع است و صاحبان اين آثار مي‌توانند آن را در داخل كشور خريد و فروش نمايند.

ماده دوم: لازم است اين آثار در كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران به ثبت برسد و براي آنها شناسنامه تهيه شود.

ماده سوم: در صورت توقيف دائم يا كوتاه مدت اين آثار و يا مصادره براساس رأي محاكم صالحه، آنان موظفند اين آثار را به طور دائم به كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران تحويل دهند.

ماده چهارم: آئين‌نامه لازم براي تعريف و ثبت آثار موضوع اين قانون در مدت حداكثر سه ماه از سوي كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران تهيه و به تصويب هيئت وزيران خواهد رسيد.

ايشان در نهايت طرح مذكور را داراي اشكالات حقوقي و لفظي، فرهنگي و اجتماعي مي‌داند و معتقد است هميشه و همه جا قوانيني كه براساس آن دولت بخواهد به نوعي سر در صندوقخانۀ مردم بكند، حاصلي جز ايجاد وحشت و توهم و بروز پيشامدهاي ديگر نخواهد داشت. (افشار، 1381، صص 4 - 6).

8. سيد عبدالله انوار در مقاله «نسخ خطي و سرنوشت آن» دربارة طرح پيش‌گفته كتابخانه ملي، تصريح مي‌نمايد:

با تجربه حدود سه دهه در اين حوزه در تصدي حفظ و كتابداري نسخة خطي در كتابخانه ملي، به اين نكته دست يافته كه مالكان كتابهاي خطي از ارائه آنها به كتابخانه‌هاي دولتي ترس و كراهت دارند. او اذعان مي‌نمايد كه اين مسئله غير منطقي است، اما واقعيتي است كه وجود دارد. ضمناً بيان مي‌نمايد كه تفتيش تمامي منازل ايران هم امكان وقوعي ندارد و ترس از اين مسئله ممكن است موجب از بين بردن كتابهاي خطي توسط مالكان شود. بنابراين، تصويب طرح مذكور را باعث اشكالهايي اساسي مي‌داند (انوار، 1381، ص 6).

9. سيد علي آل داود در ادامه بحثهاي مرتبط با طرح پيشگفته، در مقاله‌اي با عنوان «طرحي ناهماهنگ با واقعيات و منافع ملي» چند نكته را مطرح مي‌نمايد:

الف) كتابها و اسناد سرمايه‌هاي اصلي كهن سال محسوب مي‌شوند و اين كشورها مي‌كوشند آنها را در كتابخانه ملي و ديگر كتابخانه‌ها و موزه‌ها نگهداري كنند.

ب) كشورهاي اروپايي و غربي، بيش از ملل آسيايي به اهميت اين مواريث پي برده و حداقل از عصر صفويه به گردآوري آنها از طريق خريد يا راه‌هاي ديگر همت گماشته‌اند. لذا بسياري از اين نفايس به چنگ آنها افتاده است كه بدانها افتخار مي‌كنند. البته، بايد ممنون آنها بود كه اين آثار گرانبها را از نابودي نجات دادند.

ج) در كشور ما به دلايل گوناگون، هيچ‌گاه دولتها به عنوان باني اصلي، در پي گردآوري اين ميراث گرانقدر نبوده‌‌اند.

د) اگرچه در حيطة قانون‌گذاري برخي قوانين به تصويب رسيده، در عمل نتايجي مطلوب نداشته است.

ﻫ) مالكان نسخه‌هاي خطي از ارائه آنها به مراكز رسمي و دولتي استنكاف مي‌كنند يا مي‌ترسند. اين واهمه به خاطر تملك آنها از سوي دولت است. پس با تصويب اين طرح، مسئله تشديد خواهد شد.

و) مجموعه‌داران در صورت تصويب اين طرح، مايملك خود را مخفي خواهند نمود يا به فوريت اقدام به فروش يا انتقال آنها خواهند كرد (آل داود، 1381، ص 6 – 7).

10. حميدرضا حسيني در مقاله‌اي با عنوان «وقت بازگشت» به قوانين استرداد اموال فرهنگي بر اساس كنوانسيون مربوط به «اتخاذ تدابير براي ممنوع كردن و جلوگيري از ورود و صدور و انتقال مالكيت غير قانوني اموال فرهنگي» اشاره مي‌نمايد. اين كنوانسيون در سال 1970 م / 1349 در شانزدهمين اجلاس يونسكو در پاريس به تصويب رسيد. (حسيني، 1381، ص9).

11. نادر مطلبي كاشاني در نوشتار خود با عنوان «خروج نسخه‌هاي خطي از ايران» به سرگذشت تعدادي از كتابهاي نفيس اشاره مي‌كند كه به طرق گوناگون، سالها پيش از كشور خارج شده‌اند. او مي‌گويد مرحوم علامه قزويني تعدادي از نسخه‌هاي عكسي همانها را از اروپا دوباره به ايران آورد، اما متأسفانه اصل آثار و كتابهاي نفيس بسياري در اروپا وجود دارد كه قبلاً به صورت قاچاق از ايران خارج شده‌اند (مطلبي كاشاني، 1381، ص4).

پيشينة پژوهش در خارج از كشور

1. «ايوان بسروپ»[2]، مسئولان مخزن نسخه‌هاي خطي و كتابهاي نادر كتابخانه سلطنتي كپنهاگ در مقاله‌اش با عنوان «نسخ خطي و اينترنت: بازگرداندن رقومي ميراث فرهنگي به وطن»[3] ترجمه رضا خاني پور، ارائه شده در كنفرانس ايفلا، بونيس آيرس، 2004، چنين بيان مي‌نمايد:

«سه طرح فراملي در دانمارك در زمينة ديجيتالي كردن مواد ميراث فرهنگي ارائه شده‌اند.

هدف از اجراي آنها اين است كه كتابخانه‌ها و مراكز اسنادي كه در ميان مجموعه خود، مواد ميراث فرهنگي منحصر به فردي متشكل از ساير فرهنگها را جاي داده‌اند، بايد منابع خوب و شايسته اي از آنها را در وب قرار دهند؛ زيرا نه تنها كتابداران محل و مسئولان آرشيو، بلكه بيشتر محققان برجسته دانشگاهي بين‌المللي نيز كه به سبب تجربه و تخصص‌هايشان دعوت به مشاركت شده‌اند، با استفاده از چنين وب‌سايتهايي مي‌توانند هدفهاي پژوهشي و آموزشي مرتبط را تأمين كنند» (بسروپ، 2004).

وي در بخشي ديگر از مقاله‌اش به مسئله بازگرداندن ديجيتالي كهن‌ترين نسخه‌هاي خطي بر اساس استفاده از مجموعه قوانين دانمارك، اشاره مي‌نمايد.

طرح پيشنهادي كتابخانه ملي

مهم‌ترين اشكالهاي وارد بر اين طرح كه مواد آن پيش‌تر از نظر گذشت، عبارتند از:

1. اشكالها و انتقادهايي كه بر اصل و ماهيت طرح وارد است:

ـ چنين طرحي باعث هراس مالكان خواهد بود و اينكه به هرحال الزام و اجبارهاي قانوني تصريح شده در آن ـ بويژه در مواد دوم و سوم ـ بيش از آنكه مفيد ارزيابي شود، مضر است. در نتيجه، نسخه‌ها براي فروش، به بازارهاي داخلي و خارجي سرازير مي‌شوند.

ـ تجربه ثابت كرده است هرگاه دولت بخواهد با تصويب قوانيني سر از كار مردم (يا مالكان) درآورد و وارد زندگي خصوصي آنان شود، مالكان از اين امر استقبال نمي‌كنند.

ـ با ارائه چنين طرحها يا قوانيني بي‌اعتمادي موجود در ميان مالكان كه چندان هم منطقي نيست، تشديد مي‌شود.

ـ مالكيت افراد كه از طريق ارث، وصيت، هبه، وقف يا خريد به دست آمده، بر اساس اين طرح زير سؤال مي‌رود، زيرا آنان بايد به هرحال براي ثبت آثارشان به كتابخانه ملي مراجعه كنند و اگر اين‌كار را نكنند، دست به دست گشتن نسخه‌ها يا خريد، حقّي برايشان ايجاد نمي‌كند.

ـ اگر دفتر ثبت كتابهاي خطي در كتابخانه ملي به صورت سرگشاده و آشكار باشد، اطلاع محققان از وجود آنها و رديابي توسط كساني كه به هر دليل چشم به آنها دارند، موجب محدوديت آزادي و اختيار صاحبان آثار مي‌شود.

ـ اگر دفتر ثبت مذكور به شكل محرمانه باشد، ثبت كتابهاي خطي از منظر اطلاع‌رساني، فايده‌اي نخواهد داشت.

2. اشكالها و انتقادهايي كه به مواد طرح وارد است:

ـ چون در عنوان طرح لفظ ثبت بر تملك مقدم است (ثبت و تملك كتب و اسناد خطي و نادر) چنين استنباط مي‌شود كه در هنگام ارائه طرح و تصويب نهايي آن، كسي مالك نسخه نيست و پس از تصويب اين طرح، مالكيت صاحبان كتابهاي خطي، احراز مي‌شود.

ـ در ماده اول، مسئله خريد و فروش نسخه‌هاي خطي مجاز دانسته شده است. در اين ماده، تكليف نسخه‌هايي كه از طريق هبه، وقف، ارث و وصيت به دست افراد رسيده، مشخص و روشن نيست.

ـ عبارت «لازم است» در ماده دوم: (لازم است اين آثار در كتابخانه ملي جمهوري اسلامي ايران به ثبت برسد و براي آنها شناسنامه تهيه شود)؛ اشكالهاي عديده‌اي را در پي خواهد داشت كه در ادامه بيان مي‌گردد:

ـ حدود و ثغور قانوني و ضمان اجرايي اين الزام معلوم نيست.

ـ اگر اين لزوم عمل نشود، آيا تفتيش منازل مطرح مي شود يا خير؟ (چون قيد لازم را بايد اجرا نمود)

ـ اگر ثبت لازم باشد، الزام مي‌آورد كه در هنگام خريد و فروش نسخه، فروشنده و خريدار همانند نقل و انتقال ملك، به كتابخانه ملي بروند و در واقع دولت را از اين امر مطلع كنند. در صورت تحقق نيافتن اين مسئله، نسخه متعلق به مالك اولي خواهد بود كه اين نكته سلب مالكيت افراد و در نهايت بي‌اعتمادي آنان را به دنبال خواهد داشت.

ـ مادة سوم طرح پيشنهادي كه در خصوص كتابها يا اسناد مصادره يا توقيف شده ـ كوتاه مدت يا دائمي ـ است و مسئله ارسال و تحويل آنها از سوي محاكم قضايي را به كتابخانه ملي عنوان مي‌نمايد، موجب بروز مشكلاتي خواهد بود:

ـ‌ موجب ترس و اضطراب مالكان نسخه‌هاي خطي مي‌شود و راه را در جهت سوء استفاده‌ها و طرح دعاوي مغرضانه در محاكم قضايي، باز مي‌نمايد.

ـ نسخة توقيف موقت شده، پس از رفع تكليف، چگونه به مالك اصلي‌اش عودت داده خواهد شد؟

ـ‌ نسخه توقيف دائم شده – كه به جهت طلب طلبكاران بوده است – اگر طلبكاران بخواهند از طريق آنها حق خود را استيفا كنند، تكليف چه خواهد بود؟

راهكارها و پيشنهادها

1. اگر عنوان طرح از حالت «ثبت و تملك كتب و اسناد خطي و نادر» به صورت:

«ثبت نسخه‌ها و اسناد خطي و نادر ملكي اشخاص» تغيير يابد، شبهه مالك نبودن آنها براي هميشه مرتفع خواهد شد.

2. تعريف دقيق و جامعي از نسخه‌هاي خطي و اسناد نادر بايد در طرح پيشنهادي گنجانده شود.

3. در مادة اول، اگر مجاز بودن انتقال از طريق هبه، وقف، ارث و وصيت، استنباط نشود و يا اينكه در حجيت مفهوم موافق توافقي حاصل نگردد، بايد به بديهي بودن اين طرق انتقال مالكيت، اشاره صريحي بشود.

4. در ماده دوم عبارت «لازم است» به عبارت «مالكان نسخه‌هاي خطي و اسناد نادر مي‌توانند ...» تغيير يابد. البته در اين وضعيت يعني حالت اختياري ثبت، ديگر قانون قدرت و صلابت خود را از دست مي‌دهد. ممكن است مالك اول نسخه‌اش را به ثبت برساند، اما پس از فروش، مالك يا مالكان بعدي اين ثبت را انجام ندهند، لذا خروج غير قانوني به دليل نبود رديابي‌هاي بعدي، تسهيل خواهد شد.

راه‌حل اين مسئله، راهكارهايي تشويقي از جمله: بيمه، ضدعفوني، مرمت و ... است يا آنكه آنها را به صورت اماني تحويل گنجينۀ خاصي در كتابخانة ملي دهند.

5. مادة سوم را مي‌توان اين‌گونه اصلاح نمود:

در خصوص كتابها يا اسناد خطي مصادره‌اي يا توقيف شدۀ كوتاه مدت، نگهداري اين آثار در مدت توقيف بر عهدۀ كتابخانه ملي است و كتابخانه ملي بايد پس از رفع توقيف، آنها را به صاحبانش بازگرداند.

دربارة آثار توقيف دائمي شده نيز كتابخانه ملي، بهاي كارشناسي رسمي آنها را به صاحبانش يا به صندوق دادگستري ـ جهت استيفاي حق طلبكاران ـ مي‌پردازد.

6. هرگونه طرحي قبل از ارائه، پيشنهاد و تصويب بايد با اجماع صاحب‌نظران و استادان پيشكسوت اين حوزه همراه شود تا از جامعيت و مانعيت و همچنين حمايت همه جانبة اهل فن، برخوردار باشد.

7. در وضعيت كنوني، ضروري‌ترين مسئله، تصويب قوانيني در جهت تشديد مجازات براي قاچاقچيان اين آثار است نه ايجاد مزاحمت، محدوديت و ترس براي مالكان و حافظان نسخه‌هاي خطي و اسناد كه ضررهاي جبران ناپذيري را در پي خواهد داشت.

8. ارتقاي سطح عمومي فرهنگ جامعه و افزايش آگاهي مردم نسبت به مواريث اين سرزمين از طريق رسانه‌هاي جمعي، امري ضروري به نظر مي‌رسد كه بايد مستمراً تحقق يابد.

9. اختصاص بودجه‌اي مناسب و ويژه براي خريد آثار ارزشمند موجود ايراني ـ اسلامي داخل و حتي خارج از كشور از جانب دولت و توسط مراكز رسمي، بايد در دستور كار قرار بگيرد.

تجزيه و تحليل اطلاعات و نظرهاي نگارنده

سؤال اول: «چرا نسخه‌هاي خطي از كشور خارج مي‌شوند؟»

وجوه گوناگوني در اين خصوص بايد مدنظر قرار گيرد كه عبارتند از:

1. وجه حفاظتي ـ امنيتي

1-1. نقايص و كمبودها در خصوص حفاظت و تأمين امنيت كارآمد، علمي، روزآمد و همه جانبه از اموال فرهنگي از جمله نسخه‌هاي خطي.

1- 1-1. كمبود نيروهاي حفاظتي مجرب و آموزش ديده با علم روز مختص اين امر.

1-1-2. كمبود نيروي انتظامي مستقر در موزه‌ها، كتابخانه‌ها، فرودگاه‌ها يا ديگر مراكز مرتبط.

1-1-3. نبود تجهيزات و وسايل امنيتي مجهز به فناوريهاي روز دنيا در مراكز فرهنگي ملي.

1-1-4. نبود سلاحها و ابزارهاي ويژة نيروي انساني حافظ اموال فرهنگي.

1-2. نبود تعامل و ارتباط تعريف شدة حفاظتي، قانوني و علمي ميان كتابخانه‌ها و مجموعه‌داران در داخل كشور موجب مي‌شود تلاشهاي سازنده، تجربيات، امكانات، نيروي انساني و ظرفيتها همراه و هماهنگ نشود. در اين شرايط، مسئله خروج تسهيل مي‌گردد.

1-3. خروج نسخه‌هاي خطي ـ و اصولاً اشياي فرهنگي تاريخي – از مرزهاي گوناگون زميني، هوايي و دريايي ممكن است و ادامه دارد.

1-3-1. غير از وابسته‌هاي فرهنگي سفارتخانه‌ها، ديپلماتها و ...، ظاهراً خلبانان‌ها هم از مسئله تفتيش و تفحص اموال و اشيا مستثنا هستند، پس بدين طريق هم خروج نسخه‌ها دور از ذهن نيست.

2. وجه حقوقي ـ قانوني

2-1. نبود بازنگري و روزآمدسازي در خصوص قوانين و مقررات بين‌المللي و ملي در خصوص حفاظت از ميراث فرهنگي ـ تاريخي و جهاني و ملي از وجوه گوناگون، باعث شده تا نتوانيم از اين ظرفيت و بستر به نحوي مطلوب در جهت جلوگيري از خروج كتابهاي خطي، استفاده كنيم.

2-2. سازمانهاي رسمي دولتي، تنظيم، هماهنگي، انسجام و تشريك مساعي لازم را در خصوص جذب مؤثر نسخه‌هاي خطي ندارند و اين مسئله موجب اتلاف هزينه‌ها و به هدر رفتن انرژيها و در نتيجه تسهيل خروج كتابهاي خطي مي‌شود و خواهد شد.

3. وجه اقتصادي

3-1. همان‌گونه كه اشاره شد، يكي از بارزترين علل خروج اموال، جنبه اقتصادي و سودجويي كلان است. نمونه‌هاي غارت آثار باستاني و نسخه‌هاي خطي در جاي جاي اين كشور از جمله جيرفت ـ كه به بياني برابر با 4 سال درآمد نفتي ايران بود ـ اردبيل و ساير نقاط، مبيّن علل اقتصادي و وسوسه به دست آوردن سودهاي هنگفت مالي است.

3-2. اعتراف دلالان و نيز آماده بودن مراكز خريد در كشورهاي ديگر از جمله فرانسه، آمريكا، كشورهاي عربي و... حاكي از آن است كه جنبه اقتصادي در خارج شكلي مضاعف پيدا مي‌كند و هر واسطه‌اي كه اين اموال ارزشمند را به ديگري منتقل مي‌كند، سود هنگفتي عايدش مي‌شود.

3-3. گسترش قاچاق و سرقت اموال فرهنگي تاريخي در دو دهة اخير. علت اصلي آن، داغ شدن بازار خريد و فروش آثار هنري است كه به شكلي كم نظير گسترش يافته و اين امر بيانگر ظهور بخش جديد و فعال در عرصه اقتصادي جوامع مختلف است.

3-4. مسئله رشد تقاضا از جانب كشورهايي كه تمايل بسياري به خريد آثار فرهنگي از خود نشان مي‌دهند، وضعيت مذكور را تشديد مي‌كند و اين مسئله اثرات ويرانگري بر ميراث فرهنگي كشورها دارد. لذا غارتگران، واسطه‌ها و سوداگران به اين تقاضا پاسخ مي‌دهند و عرضه ميراث فرهنگي را به شكلي گسترده فراهم مي‌آورند.

3-5. مسئله قيمت‌گذاري پايين مراكز دولتي و كتابخانه‌هاي داراي نسخه‌هاي خطي موجب مي‌شود مجموعه‌داران، مالكان يا حتي واسطه‌ها رغبت به فروش و عرضه آنها به اين مراكز پيدا نكنند.

3-6. جاذبه‌هاي گردشگري و كسب درآمدهاي هنگفت توسط كشورهاي آمريكايي، اروپايي، عربي و جز آن، موجب مي‌شود آنان موزه‌ها و مراكز ذيربط خود را مشحون از دسترنج و هويت ملتهاي ديگر بنمايند تا هر چه بيشتر مردم را به سوي خود بكشانند و از اين طريق منافع سرشاري عايدشان ‌شود.

3-7. محدوديت بودجه و امكانات مالي كتابخانه‌ها و مراكز دولتي، باعث كاهش خريد يا قيمت‌گذاري پايين نسخه‌هاي خطي مي‌شود. در نتيجه، انگيزة جذب و ارائه به اين مراكز كم رنگ خواهد شد.

3-8. معمولاً در وضعيت اقتصادي كشورهاي، منشأ آثار و اموال ارزشمند فرهنگي رشد مطلوبي ندارد و همواره دچار نوعي ركود اقتصادي است. بنابراين، وجود جوامع يا طبقات فقير در اين كشورها، فزايندۀ پديده خروج نسخه‌هاي خطي است.

4. وجه حكومتي ـ سياسي

4-1. برخورد حكومتي درست، قانوني و بازدارنده در مورد دلالان داخلي و خارجي، به شكلي مؤثر وجود ندارد.

 4-2. ثبات سياسي ـ حكومتي و مشروعيت بسياري از ممالك، به پيشينة تمدن، فرهنگ و آثارشان برمي‌گردد. تمدنهاي كهن ايران باستان، يونان و مصر، زبانزد عام و خاص است. كشورهايي كه اين سابقه درخشان را ندارند، سعي مي‌كنند با تجميع آثار ارزشمند، نگهداري و سازماندهي علمي، استفاده فرهنگي و اجتماعي خود را پيشرو و پيشقدم در عرصه‌هاي فرهنگي نشان دهند و براي خود وجهه‌اي سياسي ـ فرهنگي دست و پا كنند كه بعضاً در اين رويكرد موفق هم بوده‌اند.

4-3. عملكرد نادرست بعضي از دولتها، موجب بي اعتمادي مردم نسبت به حسن نيّت آنها مي‌گردد و به همين سبب آثار فرهنگي از جمله نسخه‌هاي خطي خانوادگي خود را از ديد دولت و دولتيان پنهان نگه مي‌دارند تا مبادا گزندي از اين رهگذر متوجه آنان شود و چه بسا نسخه‌ها را به شيوه‌هاي مختلف از كشور خارج مي‌كنند.

4-4. نبود دولت ـ ملت[4] مقتدر در اكثر كشورهاي مبدأ آثار و اموال فرهنگي، موجب بي‌ثباتي مرزهاي آنان مي‌شود. نبود كنترل دقيق و كارآمد انواع مرزهاي ايران بويژه زميني و دريايي، خروج نسخه‌ها را تسهيل مي‌نمايد.

4-5. در مراكز فرهنگي ـ هنري و كتابخانه‌هاي داراي نسخه‌هاي خطي، بعضاً مسئولان غيرمتخصص ـ كه گاهي فصلي هم هستند ـ عهده‌دار مهم‌ترين امور و سياستگذاريهاي خرد و كلانند كه به جهت نداشتن بينش و تخصص لازم در اين حوزه، راه خروج نسخه‌ها را هموار مي‌سازند.

5. وجه اجتماعي ـ فرهنگي

5-1. غفلت و ناآگاهي يا كم اطلاعي مردم از ارزشهاي نهفته در كشور خود، باعث مي‌شود غارتگران و سوداگران اموال فرهنگي، زمينه را براي خارج ساختن سرمايه‌هاي معنوي مساعد ببينند.

5-2. بي اعتمادي مالكان، واسطه‌ها و ساير افراد جامعه نسبت به مراكز دولتي، بوروكراسي اين حوزه و انگيزه به دست آوردن سريع پول حاصل از فروش نسخه‌ها موجب مي‌گردد از مراجعه به ادارات يا مراكز دولتي اجتناب كنند.

5-3. نبود عزم ملي در خصوص فراهم‌آوري صحيح نسخه‌هاي خطي ـ در گروه‌هاي مختلف دولتي و غيردولتي ـ باعث گرديده مشاركت اصولي و معناداري در خصوص تجميع آثار يا جلوگيري از خروج آنها به وجود نيايد.

 5-4. پنهان كاري و در خفا گذاشتن گنجينه‌هاي گرانسنگ فرهنگي، موجب سوء استفادة عده بسياري از دلالان شده و چون فهرست كامل و جامعي از كتابهاي خطي وجود ندارد، دست ايشان براي رسيدن به مطامعشان باز خواهد بود.

5-5. از منظر اجتماعي، مشوّقها و انگيزه‌هاي لازم و كافي جهت حفظ هويت‌نامة فرهنگي ما كه در نسخه‌هاي خطي متجلي است، وجود ندارد. گاه برعكس، دارندگان نسخه‌هاي خطي با سياستگذاريهاي اشتباه حتي به رفع مالكيت! يا انتقال اجباري به مراكز دولتي، تهديد مي‌شوند.

6. وجه علمي ـ تخصصي

6-1. كشورهاي شمال از مدتها پيش به مسئله تجميع نسخه‌هاي خطي جهت استفاده‌هاي گوناگون علمي اهتمام ورزيده‌اند. بنابراين، راهكارهايي انديشيده‌اند تا به شكلهاي گوناگون، مسير انتقال نفايس خطي را به كشورهايشان تسهيل ببخشند.

6-2. چرخه معرفت‌شناسي كشورهاي صاحب فناوريهاي نوين و دانش بسيار پيشرفته كنوني، از قرنها پيش توسط آثار ديگر ملل از جمله ايران، كامل شده است. در اين چرخه ـ پديده‌ها، داده‌ها، اطلاعات، علم، دانش، خرد و در نهايت معرفت‌شناسي ـ نسخه‌هاي خطي، جايگاهي بس رفيع داشته‌اند. ذكر معروفيت اينكه بسياري از كتابهاي ارزشمند اسلاف ما از ابن سينا، فارابي، خواجه نصيرالدين طوسي گرفته تا شيخ بهايي و ديگران تا مدتها از جمله متون و درسهاي آكادميك آنها بوده‌اند، تكرار مكررات است.

6-3. مسئله تفوق اطلاعات و دانش ـ كه امروزه كالايي اقتصادي محسوب مي‌شوند ـ بر ساير كشورها و به سلطه كشاندن آنها، ايجاب مي‌كند علم، هويت، و تمدن و فرهنگ ملتها را جذب ممالك خود نمايند.

6-4. با ايجاد امكانات و ظرفيتها و بسترهاي مناسب در نتيجۀ بهره‌مندي از آثار علمي و فرهنگي كشورهاي جنوب غير از به غارت رفتن اموال فرهنگي تاريخي، چه بسا افكار و مغزها نيز جذب كشورهاي شمال مي‌شوند و خواهند شد. اين تجربه تلخي است كه كشورهاي ضعيف همواره از آن ضربه خورده و تاكنون از حل آن عاجز مانده‌اند.

6-5. وجه اسنادي ـ تاريخي كه در اتقان كارهاي پژوهشي مبتني بر مراجع و منابع دست اول بسيار مهم است، از ديگر سببهاي خروج آنها به شمار مي‌رود.

سؤال دوم: چگونه نسخه‌هاي خطي از كشور خارج مي‌شوند؟

موارد ذيل را مي‌توان در اين ارتباط برشمرد:

1. خروج نسخه‌هاي خطي در گذشته‌هاي دور و نزديك در جريان جنگها ـ از طريق به غنيمت گرفتن آنها ـ صورت مي‌گرفته است.

2. گاهي پادشاهان، امرا و فرمانروايان، كتابهاي خطي را به عنوان پيشكش يا هديه، به همتايان و ديگر صاحب منصبان خارجي مي‌داده‌اند.

3. از طريق سياسي و ديپلماتيك، يعني توسط سفارتخانه‌هاي خارجي مستقر در كشور هم نسخه‌ها بدون هيچ‌گونه منعي خارج شده و مي‌شوند.

4. از طريق قاچاق، توسط سوداگران و دلالان اموال فرهنگي، نسخه‌هاي خطي به خارج از كشور انتقال مي‌يابد.

5. گاهي توسط محققان خبره ـ كه از ارزش واقعي معنوي و مادي نسخه‌ها باخبرند ـ نسخه‌ها از كشور خارج شده‌اند و مي‌شوند.

6. بعضي مواقع هم نسخه‌هاي نفيس خطي توسط اشخاص دست اندركار دولتي و در جريان همكاري با همتايان غيردولتي‌شان در داخل و خارج از كشور، از ميهن خارج شده‌اند.

7. فروش نسخه‌هاي خطي به افرادي كه در داخل و خارج كارگزاراني براي تسهيل خروج نسخه‌ها دارند، از ديگر راه‌هاي مهم انتقال نسخه‌هاي خطي به خارج از كشور است.

سؤال سوم: «چگونه مي‌توان از خروج نسخه‌هاي خطي به خارج از كشور جلوگيري نمود و راهكارهاي مقابله با اين پديده كدامند؟»

از منظرهاي گوناگون مي‌توان به بحث و پاسخگويي به اين سؤال پرداخت.

1. راه‌هاي حفاظتي ـ امنيتي

با وجودي كه كشور ما از لحاظ تاريخي ـ فرهنگي و داشتن اموال ارزشمند و ميراث مكتوب در ميان ملل جهان از رتبه‌اي والا برخوردار است، در حفظ آنها و استفاده از آخرين دستاوردهاي حفاظتي ـ امنيتي، با مشكلات فراواني مواجهيم.

1-1. نارسايي دانش فني و مجهز نبودن مأموران و مسئولان به تجهيزات و دستگاه‌هاي پيشرفته حفاظتي، واقعيتي انكارناپذير است. امروزه كشورهايي كه به حوزه ميراث فرهنگي اهميت مي‌دهند، به انواع فناوري و دستگاه‌هاي نوين امنيتي در مراكز فرهنگي خود مجهزند. پس ما هم بايد به آخرين فناوريها در اين زمينه مجهز شويم.

1-2. آموزش حفاظتي بهينه و كارآمد نيروهاي امنيتي محافظتي مراكز فرهنگي، موزه‌ها و كتابخانه‌هاي داراي نسخه‌هاي خطي.

1-3. ساختمانها و بناهايي مستحكم از جنبه‌هاي گوناگون كه در مقابل سيل، زلزله، سرقت، تخريب و آسيبهاي ديگر كاملاً مقاوم باشند.

2- مرزهاي كشور را با حفاظت و امنيت كامل و همچنين نيروي انساني مجرب و مجهز در كنترل همه جانبه خود درآوريم. تا هنگامي كه امنيت تمام عيار مرزهاي كشور بويژه در شرق، غرب و جنوب كشورمان تأمين نگردد، بسياري از تلاشهاي داخلي ابتر خواهند ماند.

3- چون خروج نسخه‌ها از كشور از طريق سفارتخانه‌ها و توسط ديپلماتها امكان‌پذير است، بايد تمهيداتي را فراهم سازيم تا مانع خروج كتابهاي خطي از اين طريق شويم.

4- بيمه كردن نسخه‌هاي خطي كشور در خصوص خطرهايي همچون سرقت، خروج غيرقانوني، قاچاق، آتش سوزي و جز آن از جمله

مهم‌ترين و اصلي‌ترين موارد حفاظتي نسخه‌ها به شمار مي‌رود. سرانجام يك وزارتخانه، سازمان، نهاد يا مركزي بايد در تعامل با يكي از شركتهاي قوي بين‌المللي بيمه در كشور، نسبت به اين كار اقدام نمايد.

البته، در موارد انتقال نسخه‌ها به مراكز ديگر مثل موزه‌ها، نمايشگاه‌ها و ... معمولاً كتابخانه‌ها نسخه‌هايشان را بيمه مي‌كنند. اما بحث در اينجا مربوط به نسخه‌هاي مجموعه‌هاي شخصي است كه در معرض خطر جدي است و با اعتمادسازي بايد شرايط ارائه آنها را بدين منظور فراهم آورد.

2. راه‌هاي قانوني ـ حقوقي

با عنايت به افزايش هجمه به آثار فرهنگي و نسخه‌هاي خطي، بايد راهكارهايي قانوني و دقيق انديشيد كه موارد زير، مهم ارزيابي مي‌شود:

2-1. رسيدگي كامل و عاجل به پرونده‌هاي تخلفاتي در حوزة ميراث فرهنگي و به طريق اولي نسخه‌هاي خطي. اين مسئله مي‌طلبد كه ضمن آگاهي كامل و استفاده از تجربيات ديگران، اداره يا مركزي ويژه و تام‌الاختيار جهت رسيدگي به تخلفات در حوزه‌هاي قضايي تشكيل دهيم. به اين ترتيب، مي‌توانيم اميدوار باشيم كه تلاشهاي قانوني ارزنده‌اي براي توقف و جلوگيري از خروج نسخه‌هاي خطي تحقق يابد.

2-2. ارتباط، تعامل و همكاري تعريف شده قانوني ميان وزارتخانه‌هاي ذيربط، سازمانها و نهادهاي دولتي براساس ضوابط و مقررات قانوني بايد تحقق يابد، تا:

2-2-1. اولا ً هر كدام وظايف، حدود و ثغور فعاليتها و تمركز امور خود را به درستي بشناسند و بر اساس آن عمل كنند.

2-2-2. در صورت بروز اشكالات، نقايص و خطاها، مسئله تفحص و پرسش را بتوان دنبال كرد و اينكه از چه كسي بايد استفسار نمود يا كدام دستگاه را بايد مورد استيضاح قرار داد.

2-2-2-1. هم اكنون متأسفانه در صورت بروز سرقت يا قاچاق، همه دستگاه‌هاي ذيربط مسئولند، اما هيچ‌كس پاسخگو نيست و هر يك ديگري را به اهمال متهم مي‌نمايد.

2-3. بايد به سازمانها يا نهادهايي كه مسئوليت خطير كار حفاظت از اموال فرهنگي را به آنها سپرده‌ايم، قدرت لازم قانوني براي ايفاي نقشي كه برعهده‌شان گذاشته شده است، داده شود.

2-4. فعال‌سازي روند استرداد قانوني ـ حقوقي، از جمله مسائل مهمي است كه مي‌توان از آن طريق جلو خروج بيشتر نسخه‌ها را گرفت. عمل كامل به كنوانسيونهاي مرتبط در اين حوزه كه پيشتر بيان شد و همچنين تبليغات لازم در خصوص آن، بسيار سودمند است.

2-5. بايد قوانين ملي ـ در صورت امكان بين‌المللي ـ پيشنهاد شود تا نگاهي جديد به مسئله خروج نسخه‌هاي خطي توسط سفارتخانه‌ها داشته باشيم. به عبارت ديگر، تدوين قوانين حقوقي در جهت محدودسازي يا ممنوع‌سازي خروج نسخه‌ها از طريق ديپلماتيك بايد مدنظر قرار بگيرد و در اين زمينه لازم مي‌نمايد طرحي نو در اندازيم، زيرا يكي از مهم‌ترين راه‌هاي خروج همين طريق است و ما با علم به آن، هيچ كاري در جهت ممانعت نمي‌توانيم صورت دهيم.

2-6. ثبت قانوني آثار و اموال فرهنگي و نسخه‌هاي خطي و اعلام آن به يونسكو ـ يا هر سازمان ذيربط ديگر جهاني ـ مي‌تواند در حفاظت از نسخه‌ها مفيد و مؤثر واقع شود، زيرا در صورت خروج آنها، مسئله پيگيري در خصوص استرداد آنها تسهيل خواهد شد و راهكارهاي قانوني محكمه پسند را مي‌توان در مجامع و محاكم قضايي بين‌المللي، دنبال نمود.

2-7. ايجاد مركزي مستقل، قوي كارآمد و آزاد در خصوص رسيدگي، تحقيق، تفحص، استفسار و استيضاح در همة زمينه‌هاي نسخه‌هاي خطي كه مورد وثوق، اعتماد و پذيرش قانوني همه دستگاه‌هاي دولتي و خصوصي باشد.

اين مركز بايد توان و قدرت قانوني لازم را دارا باشد تا بتواند از هر شخص حقيقي يا حقوقي با هر منصبي، در خصوص كوتاهي در زمينة نسخه‌هاي خطي بازخواست كند و در صورت لزوم و تشخيص وقوع جرم، پيشنهاد محكوميت، جريمه، بازگرداندن و مواردي جز آن را در دستور كار قرار دهد.

3. راه‌هاي اقتصادي

3–1. در اختيار گرفتن نبض بازار از طريق قيمت‌گذاري مناسب و حتي بالاتر از عرف بازار، مهم است.

3–2. مراكز رسمي دولتي، كتابخانه‌ها، موزه‌ها و ساير ادارات مرتبط بايد در امر خريد نسخه‌ها وارد شوند. در ضمن بوروكراسي اداري نيز بايد به حداقل برسد.

3–3. با ايجاد نمايشگاه‌هاي مقطعي و دائمي، مي‌توان صنعت توريسم فرهنگي را رونق بخشيد و از اين رهگذر منافع مادي و فرهنگي مناسبي به سمت كشور سرازير خواهد شد.

3–4. بودجه خريد مراكز دولتي بايد در حد شايسته‌اي افزايش پيدا كند تا اين مراكز با دستي بازتر، نسخه‌هاي خطي مورد نظر خود را تهيه كنند.

3–5. ايجاد پژوهشگاه‌هاي نسخه‌هاي خطي كه با چاپ و انتشار اين پژوهشها، شاهد رونق اقتصادي در اين حوزه خواهيم بود.

4. روشهاي حكومتي ـ سياسي

4–1. با عملكرد صحيح، علمي، كارآمد و اعتمادسازي حكومت در همه عرصه‌هاي نسخه‌هاي خطي، مالكان اين‌گونه آثار جذب مراكز دولتي

مي‌شوند و آثارشان را براي اهدا يا فروش، در اختيارشان قرار مي‌دهند.

4-2. امنيت ملي كشورها و مشروعيت هر چه بيشتر حكومتها در سطح داخلي و خارجي، موجب تثبيت و تقويت موقعيت آنها خواهد شد. اين موضوع برآيندي خواهد داشت كه همانا قدرت و اقتدار حكومتي و سياسي بر پاية منطق و حمايت افكار عمومي است. در نتيجة تحقق اين مسئله، روند خروج نسخه‌ها متوقف يا كندتر مي‌شود و نسخه‌هاي خارج شده را با قوت و استحكام بيشتري مي‌توان حمايت نمود تا به وطن باز گردند.

4-3. اهتمام عملي دولتهاي صاحب ميراث فرهنگي كهن با بهره‌گيري از روشهاي سياسي كارآمد و متناسب بر اساس نيازهاي روز نسبت به دغدغه خروج نسخه‌هاي خطي از كشور، مي‌تواند مانع خروج نسخه‌ها به خارج از كشور شود.

4-4. دولت بايد مراكز رسمي خود را در اين حوزه مانند كتابخانه‌ها، موزه‌ها، مراكز اسناد هر چه بيشتر به سمت و سوي تخصصي‌تر شدن ظرفيتهاي انساني و فني سوق دهد تا در عرصه رقابتهاي علمي، پژوهشي، ملي و بين المللي حرفي براي گفتن داشته باشند.

4-5. دولت و كشور ما بايد از تمامي ظرفيتهاي موجود نيروي انساني خود در داخل يا خارج از كشور در حوزه نسخه‌هاي خطي بهره بگيرد.

5. روشهاي اجتماعي ـ فرهنگي

5–1. با تبليغات گسترده در خصوص حفاظت از ميراث فرهنگي در ميان اقشار مختلف جامعه، مي‌توان اين موضوع را نهادينه و به اصطلاح فرهنگ‌سازي كرد. انجام بازديد از موزه‌ها، كتابخانه‌هاي نسخه‌هاي خطي، مكانهاي فرهنگي؛ افراد را به تاريخ تمدن و فرهنگ خود علاقمند مي‌سازد.

5-2. نقش سازمانها و مراكز فرهنگي زماني مؤثر خواهد بود كه رابطه تنگاتنگي در ارتباط با ارتقا و رشد فرهنگي جامعه ميان آنها برقرار باشد.

5-2-1. اين‌گونه مراكز بايد به مكانهايي جذّاب و كارآمد جهت آموزش در حوزه‌هاي گوناگون ميراث فرهنگي، تبديل شوند. متأسفانه در كشور ما، مردم هدفها و كاركردهاي آنها را نمي‌شناسند.

5-2-2. مراكز آموزشي رسمي، از دبستان تا دانشگاه، ارتباط و تعامل معناداري در درون خود و نيز با مراكز فرهنگي كشور ندارند. معمولاً ارتباطات آنها به انجام چند بازديد در طول سال، محدود مي‌شود.

5-3. مراكز داراي ميراث فرهنگي از جمله بسياري از كتابخانه‌هاي داراي گنجينه‌هاي نسخه‌هاي خطي، ميراث گرانسنگ اين كشور را از ديده‌ها پنهان مي‌كنند. از آسيبهاي مختلفي كه در اين شرايط متوجه آنها مي‌شود، يكي گسستگي علمي فرهنگي جامعه از تمدن كهن ارزشمندشان است و ديگر اينكه ممكن است اين پنهان‌كاريها خطرهايي همچون سرقت را به دنبال داشته باشد.

5-4. اگر مراكز فرهنگي با مشاركت تعريف شده دولت بتوانند مسئله حفظ حرمت و حريم قانوني مالكيت افراد را تبيين و تثبيت نمايند، مانع خروج نسخه‌ها خواهد شد. يعني ثبت آثار در اين حوزه بايد شفاف و رسمي و با اعلام باشد. البته، بايد در زمينه اعلام، دقت و ظرافتهايي به خرج دهيم تا نتيجه عكس ندهد يا خطرهايي را متوجه مالكان نكند.

سؤال چهارم: «نقش و وظايف كتابخانه‌ها مجموعه‌داران و دولت در اين ارتباط چيست؟»

در پاسخ به اين سؤال موارد ذيل را مي‌توان بر شمرد:

1. وظايف حكومت و دولت

1ـ1. جلب مشاركت و اعتمادسازي در ميان مردم و مالكان آثار در خصوص اينكه آنها را براي هدفهاي فرهنگي در اختيار مراكز دولتي قرار دهند تا در سطح گسترده مورد بهره برداري قرار گيرند.

1ـ2. توجيه اين مسئله كه اگر مالكان مايل به انجام مورد اول نيستند، حداقل آثار آسيب‌ديده خطي را جهت مرّمت آفت‌زدايي، صحافي و تجليد، در اختيار مراجع ذيصلاح قرار دهند.

1ـ3. مسئله مالكيت نسخ خطي را به هيچ وجه زير سؤال نبرند، زيرا از اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌هاي دولتي كاسته خواهد شد، بلكه بايد به شيوه‌هاي مختلف در جهت تثبيت مالكيت افراد اقدام شود.

1ـ4. به خريد و فروش غير رسمي و قاچاق نسخه‌هاي خطي خاتمه دهد.

1ـ5. يك مركز رسمي دولتي ـ كه بهتر است در كتابخانه ملي باشد ـ تأسيس نمايد، تا مالكان پس از ثبت آثارشان، آنها را براي كارشناسي عادلانه در اختيار آن قرار دهند و در صورت تمايل به فروش برسانند يا اهدا نمايند.

1ـ6. اجازة خروج تمامي آثار بايد با نظارت و مجوز مركز پيش گفته صورت گيرد.

1ـ7. فعاليتهاي مستمر، هدفمند، ظريف و بدون تنش مركز مذكور در خصوص شناسايي، ثبت و در نهايت جمع‌آوري تمامي نسخه‌هاي خطي پراكنده در اقصي نقاط كشور، از طرق قانوني و با رضايت كامل مالكان، صورت گيرد.

1ـ8. صنعت توريسم و گردشگري علمي ـ پژوهشي را با برنامه‌ريزي جامع و دقيق در خصوص بازديد گروه‌ها و محققان علاقمند، فعال سازد. محقق شدن اين هدف، موجب تقويت امنيت ملي و شناساندن تمدن گرانسنگ ايران در سطح جهاني خواهد شد.

1ـ9. دولت بايد اتكاي اقتصادي صرف به درآمدهاي نفتي را كاهش دهد و يكي از اين راه‌ها مي‌تواند ايجاد تورهاي علمي ـ پژوهشي باشد. نسخه‌هاي بسيار نفيس و منحصر به فرد ايراني، به حد كافي اين جاذبه را دارند. با محقق شدن مطلب پيش‌گفته، امنيت ملي ما در سطح جهان تقويت مي‌شود. سرمايه‌گذاري اقتصادي نيز رو به افزايش مي‌نهد، تحقيق و پژوهشهاي بين‌المللي دربارة موضوع ايران‌شناسي، رشدي فزاينده خواهد داشت.

1ـ10. دولت مي‌تواند در خصوص تمامي قوانين، معاهدات، كنوانسيونها و مقررات ملي و بين‌المللي در حوزة حفظ ميراث فرهنگي بويژه نسخه‌هاي خطي، نقش فعالي داشته باشد؛ به آسيب‌شناسي و ارائه نقايص موجود بپردازد و پيشنهادهايي در زمينه اصلاح، تكميل و روزآمدسازي آنها ارائه دهد.

1ـ11. تربيت كارشناسان و حتي كارگزاران متخصص در اين حوزه، از ديگر وظايف دولت به شمار مي‌رود. دولت بايد از تجربه گرانقدر كارشناسان و متخصصان داخلي و خارجي بهره ببرد و راه‌هاي جذب هر كدام را با دقت بيابد. برخي توسط جاذبه‌هاي اقتصادي، عده‌اي ديگر نيز از طرق علمي، هنري و فرهنگي جذب مي‌شوند و حاضر به همكاري و كمك به كشورهاي ديگر هستند و اين فرصت را نبايد از دست داد.

2. وظايف كتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراكز ذيربط فرهنگي

2-1. ارائه تعريفي جامع و مانع كه مورد توافق خبرگان حوزه‌هاي خطي و اسناد باشد تا اينكه بدانيم و بدانند از چه چيزهايي بايد محافظت نمود.

2-2. اين مراكز ترتيبي اتخاذ كنند تا در نمايشگاه‌هاي آثار فرهنگي، نام صاحبان يا اهدا كنندگان آنها به نحوي شايسته ثبت گردد تا انگيزه‌هاي معنوي و فرهنگي در ايشان تقويت گردد.

2-3. تسهيل در امر خريد نسخه هاي خطي از طريق قيمت گذاري عادلانه يا حتي بالاتر از خارج، از بين بردن بوروكراسي اداري در مراحل خريد، تسريع در پرداخت قيمت تعيين شده، جهت اعتماد سازي صاحبان نسخه‌هاي خطي، از ديگر امور مرتبط با وظايف اين مراكز است.

2-4. انجام برنامه‌هاي فرهنگي، تبليغي، همايشها و سمينارها و نيز تشكيل هفته كتاب مختص نسخه‌هاي خطي و آگاهي‌رساني عمومي، از كارهاي بسيار تأثيرگذار و فرهنگ‌ساز شمرده مي‌شود.

2-5. همكاري و مشاركت كامل ميان كتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراكز فرهنگي و نيز فيمابين آنها و ساير بخشهاي خصوصي فعال در كشور، از مهم‌ترين امور به شمار مي‌رود.

2-5-1. تعيين اصالت نسخه‌هاي خطي

2-5-2. كارشناسي واقعي نسخه‌هاي خطي براساس عرف بازارهاي بين‌المللي

2-5-3. ايجاد انگيزه عمومي براي حفظ منابع و منافع ملي به جاي در نظر داشتن منافع شخصي

2-6. تعيين مركزي رسمي براي ثبت مالكيت حقوقي افراد، جلوگيري از فعاليت بازار سياه و تأثيرگذاري در آشفته بازار خريد و فروش غير قانوني نسخه‌ها

2-7. شناسايي مالكاني كه به طور موروثي نسخه‌هاي خطي در ميان آنها دست به دست گرديده و تعامل با آنان به منظور حفظ و مرمت و در صورت تمايل، خريد نسخه‌ها يا اهدا، اسكن و مواردي جز آن، كه آنان مجبور نشوند با قاچاقچيان و سوداگران آثار يا دلالان تماس بگيرند.

2-8. تجهيز به آخرين دستاوردهاي فناوري نوين حفاظت از نسخه‌هاي خطي تا مسئله سرقت از موزه‌ها و كتابخانه‌ها از بين برود يا به حداقل برسد.

2-9. آموزش كارآمد، علمي و پيشرفته نيروهاي ويژه جهت حفاظت از اين ميراث مكتوب و ارزشمند در مراكز فرهنگي كه بايد به صورت مستمر و روزآمد انجام شود، زيرا در مصاحبه‌هاي اكثر مسئولان ذيربط امنيتي، يكي از مهم‌ترين عوامل سرقتهاي آثار فرهنگي، نبود آموزش صحيح نيروها شناخته شده است.

2-10. انتخاب دقيق افراد دست اندركار مراكز حساس و مهم فرهنگي. تجربة ساليان متمادي در اين حوزه حاكي از آن است كه در بسياري از سرقتها، متأسفانه افراد درون سازماني مشاركت داشته‌اند.

2-11. همكاري و تعامل با مراكز مشابه دولتي در خارج از كشور براي هماهنگي، به اشتراك گذاشتن اطلاعات و تجربيات در موضوعات گوناگون علمي- فرهنگي و از جمله مسئله مقابله با پديدة خروج نسخه‌هاي خطي، راه‌هاي پيشگيري و باز گرداندن آثار به هر شكل ممكن به وطن.

2 – 12. داشتن موضعي فعال نه انفعالي درتعاملهاي بين‌المللي، از جمله ثبت آثار باستاني، بناهاي تاريخي، نسخه‌هاي نفيس خطي در فهرستهاي مهم دنيا از جمله فهرست يونسكو تا از وقوع خروج نسخه‌ها يا عدم بازگشت در صورت خروج آنها، پيشگيري شود.

2-13. كارشناسان فني و حقوقي كتابخانه‌ها، موزه‌ها و ساير مراكز فرهنگي، بهترين و شايسته‌ترين افراد براي دادن راهكارهاي اصلاحات، لوايح، پيشنهادها و نظرهاي سازنده در زمينة تدوين يا تكميل قوانين، معاهدات، مقررات و كنوانسيونهاي ملي و بين‌المللي هستند و بايد در اين حوزه‌ها نقشي فعال‌تر ايفا كنند.

2-14. همه مراكز اطلاع‌رساني نسخه‌هاي خطي، كتابخانه‌ها، موزه‌ها و ... براي ذخيره، پردازش، بازيابي اطلاعات و مديريت در حوزة كتابهاي خطي و اموال فرهنگي ديگر، در داخل كشور نرم‌افزاري جامع و مشترك مورد قبول همه اهل فن را طراحي و اجرا كنند؛ نرم‌افزاري با كارآيي و قابل استفاده در سطح جهاني با استانداردهاي بالا كه از وجوه گوناگون در بُعد ملي و فراملي مفيد واقع شود. در اين صورت، كنترل نسخه‌هاي خطي در داخل، مجموعه‌هاي ايراني خارج شده، يكدستي در ذخيره، پردازش و اطلاع‌رساني، تهيه فهرستگان ملي و بين‌المللي در عرصه نسخه‌هاي خطي ايراني ـ اعم از فارسي و عربي ـ مسئله آموزش روزآمد، بازيابي كامل، سريع و دسترسي همگاني و ... به نحوي شايسته محقق خواهد شد.

2-15. نقش بنيادين و مستقل رسانه‌هاي جمعي همچون خبرگزاريهاي غيردولتي، نشريه‌هاي ادواري عمومي و تخصصي، در اين راستا بسيار حياتي است.

2-16. مراكز فرهنگي يا نهادها و سازمانهاي مسئول حفاظت از ميراث فرهنگي بايد مسائل حفاظت از اين‌گونه اموال را ابتدا بومي‌سازي كنند و سپس براي وجهه قانوني دادن به آن در مراكز قانوني داخلي و خارجي، وارد عمل شوند.

كاري كه ژاپن در سالهاي 1897، 1929 و 1950م ـ پس از جنگ جهاني دوم ـ انجام داد؛ يعني در سال 1950 م. «قانون حفاظت از ميراث فرهنگي مادي» را تصويب كرد. در آن زمان، براي نخستين بار اصطلاح «ميراث فرهنگي معنوي» هم مطرح شد. اما در نهايت در سالهاي 1954 و 1975 م. اين قانون اصلاح شد و از تصويب دولت گذشت (هيروشي هوشينو[5]، 1382، ص 48).

3. وظايف مالكان و مجموعه‌داران

3ـ1. جنبة فرهنگي و اخلاقي ـ ديني

مالكان و مجموعه‌داران بايد نسبت به وظايف خطير فرهنگي، اخلاقي و پايبند بودن به اصول اعتقادات مذهبي و ملي خويش در قبال سرزمينشان واقف باشند. آنچه در اختيار آنان است، از منظري مايملك آنها محسوب مي‌شود، اما بايد توجه داشته باشند كه از ديدگاه كلي، ثروت و سرمايه‌هاي ملي ـ فرهنگي درشمارند و متعلق به همه نسلها هستند.

3ـ2. جنبه اطلاع‌رساني و علمي

3-2- 1. با ايجاد مراكزي همچون موزه‌هاي شخصي، كتابخانه‌ها و ...، آثارشان را در معرض ديد مشتاقان و پژوهندگان اين حوزه قرار دهند.

3-2-2. حتي اگر ممكن شود، افرادي را كه در فهرست‌نويسي نسخه‌هاي خطي مجرب هستند، در اين امر شركت دهند و مجموعه‌هاي خصوصي در قالب فهرستهاي علمي ـ پژوهشي، در اختيار همگان قرار گيرد.

3-2-3. اگر هيچ كدام از موارد پيش‌گفته ممكن نشد، داوطلبانه اعلام آمادگي كنند تا مراكز فرهنگي يا كتابخانه‌ها از آثارشان اسكن يا عكس‌برداري نمايند و در قالبهاي رقومي (ديجيتالي) به معرفي آثار در سطح ملي و بين‌المللي بپردازند.

3ـ3. جنبه اقتصادي

3-3-1. درست است كه بسياري از مالكان و مجموعه‌داران، دلال نيستند و با عشق زايدالوصفي، سالها نسبت به جمع‌آوري نسخه‌ها همت گماشته‌اند؛ اما تداوم اين عشق و علاقه‌مندي نسبت به آنها ـ و نيز نسبت به جايگاه علمي، فرهنگي كشورشان ـ مي‌طلبد كه جنبه‌هاي صرف مادي يا اقتصادي را كنار بگذارند و به ثمرات ديگر نسخه‌هاي خطي براي مردم و كشور خود فكر كنند.

3-3-2. آثارشان را از كشور به هيچ قيمت خارج نسازند، بلكه آنها را به مراكز رسمي دولتي وكتابخانه‌ها بفروشند تا هم از سود مادي و هم از بهرۀ فراوان معنوي و اخروي برخوردار شوند و توأمان به هر دو مطلب دست يابند.

سؤال پنجم: چگونه و از چه راه‌هايي مي‌توان آثار خارج شده را به وطن باز گرداند؟

در اين خصوص موارد زير مهم و اساسي به نظر مي‌رسد:

1. از طريق قانوني ـ حقوقي

1-1. حوزه داخلي.اگرچه در علم حقوق قوانيني كه بتوان آنها را عطف به گذشته كرد، امري مقبول و مرسوم نيست، اما نشانه‌ها و مدارك مستندي از خروج اين اشيا از ايران به شكل غيرقانوني و غيرمجاز وجود دارد كه چنانچه مورد توجه قرار گيرد، مي‌توان مالكيت حقوقي ايران را بر اين اشيا در محاكم خارجي اثبات كرد. آنچه در طول اين سالها به فراموشي سپرده شده، نبود ادعا يا طرح دعوي حقوقي نسبت به آثار فرهنگي در محاكم بين‌المللي است. هر چند مالكيت معنوي بر اين اشيا امري اثبات شده است و ماهيت و نشانه‌هاي بر آنها، گواه بر اين مدعاست، اما كم تحركي يا به نوعي بي تحركي از جانب مالك اصلي اين‌گونه اشيا ـ يعني ايران ـ اين شبهه را پديد آورده است كه گويي خود ما نيز با اين قضيه كنار آمده‌ايم. وانگهي در جهاني كه محاكم داخلي برخي از كشورها، صرفاً براي آگاهي افكار عمومي، در دادگاه‌هاي صوري احكامي را عليه كشورها يا افراد خارجي صادر مي‌كنند، تجربه مشابهي نيز مي‌تواند از يك جهت حضور ما را در عرصه تعاملات فرهنگي دنيا ملموس سازد و از سوي ديگر غارتگران تاريخ اين سرزمين را در موضع دفاعي قرار دهد. بر اين اساس، متخصصان و كارشناسان حقوقي داخلي بايد عمده فعاليت خود را بر مسئله اثبات مالكيت معنوي و مادي ايران از طريق تدوين قوانين لازم بر اي زمينه‌سازي با هدف استرداد آثار تاريخي فرهنگي ما در خارج از كشور، متمركز نمايند.

1-2. حوزه خارجي.در عرصه فعاليتهاي بين المللي، كشورهاي منشأ به علل و عوامل گوناگون نتوانسته‌اند در برخي موارد حقانيت خود را ثابت كنند. بديهي است، تحقق يافتن امري كه تا كنون صورت نگرفته، نه تنها مشكل به نظر مي‌رسد، بلكه نيازمند آگاهي از ابعاد مختلف و بهره‌مندي از حوزه‌هاي اطلاعاتي گوناگون است، تا هدف نهايي ـ يعني مسئله مهم استرداد اموال ـ به دست آيد. لذا ايجاد تعامل و ارتباطهاي نزديك با كشورهايي همچون مصر، تركيه و يونان كه در اين زمينه با ما اشتراك مواضع دارند، بسيار مؤثر و مفيد خواهد بود. اين اجتماع، اشتراك و جبهه واحد فرهنگي در واقع موجب تشكيل موضع مستحكمي در برابر كشورهايي مانند آمريكا، فرانسه، انگليس و ... خواهد شد. شايد بتوان اذعان داشت كه بيشترين آثار تاريخي فرهنگي و نسخه‌هاي خطي ما هم طي ساليان متمادي به سمت و سوي كشورهاي مزبور سرازير شده‌اند.

مسئله ديگر آن است كه اگر نتوان در كوتاه مدت استرداد اموال فرهنگي را به تحقق رساند، مي‌توان به عنوان مالك واقعي و منشأ اثر، اشياي ايراني را به صورت «اماني» در اختيار گرفت.

نكته مهم ديگر اين است كه مي‌توان مالكيت دولتهاي غربي را بر اين‌گونه اشيا «موقتي» تعريف كرد كه در يك دوره زماني تعريف شده و تحت شرايط خاص و بدون رضايت مالك اصلي يعني ايران، حق جابجايي و يا بهره برداري معنوي و مادي از آنها را نخواهد داشت. در اين حالت، مي‌توانيم به امكان برگزاري نمايشگاه‌هاي دائمي و يا موقت از اين اشيا در داخل كشور نيز فكر كنيم كه زمينه‌ساز حضور دائمي آنها نيز خواهد بود.

در چنين حالتي، قطعاً تغيير شرايط فرهنگي دنيا به نفع ما خواهد بود و مي‌توان اميدوار بود كه در بلند مدت اين اموال فرهنگي همانند كودكي كه از مادر خود جدا افتاده است، به آغوش مادرش باز گردد.

بر اساس كنوانسيون 1970، تمام اموالي كه اهميت آنها از نظر باستان شناسي ماقبل تاريخ، تاريخي، ادبي، هنري يا علمي مشخص شده‌اند، اعم از اينكه مذهبي يا غيرمذهبي باشند، در زمرة اموال فرهنگي قرار مي‌گيرند. كنوانسيون، اين اموال را در 11 بخش به طور جامع تعريف كرده و حدود و ثغور ميراث فرهنگي كشورها را نيز در 5 بخش تعيين نموده است.

دولتهاي عضو كنوانسيون متعهد شده‌اند تا از ورود، صدور و انتقال مالكيت غيرقانوني اموال فرهنگي جلوگيري كنند يا جريان آن را متوقف سازند. بر اين اساس، هر دولت وظيفه دارد در قلمرو خود يا چند دستگاه را براي حمايت از ميراث فرهنگي تاسيس كند تا در تهية لوايح قانوني و آئين‌نامه‌اي براي امكان حمايت ميراث فرهنگي و انتقال مالكيت غيرقانوني اموال مهم فرهنگي تلاش كنند و صورتي از اموال مهم فرهنگي، عمومي و خصوصي را در يك فهرست ملي گردآورند.

ثبت قانوني تمامي آثار فرهنگي بويژه نسخه‌هاي خطي كشور و اعلام رسمي آن به يونسكو، به ما كمك مي‌كند در صورت خروج غير قانوني آنها، شرايط بازگرداندشان به وطن فراهم آيد. در حال حاضر، شاهد پيامدهاي حضور نداشتن در عرصه ثبت ميراث معنوي جهان هستيم و حتي تعدادي از كشورها در اين امر از ما پيشي گرفته‌اند. مثلاً آلمان و فرانسه «قصه هزار و يك شب» را به نام خود به ثبت رسانده‌اند.تركيه هم قصد دارد «تعزيه» را به نام خود به عنوان شاهكار شفاهي كشورش به ثبت برساند (قصري، 1383، ص 7).

نقش يونسكو در بازگرداندن اموال فرهنگي

خريد و فروش آثار تاريخي و فرهنگي و اشياي عتيقه در جهان امروز، به تجارتي پرسود مبدل شده است. بخش بزرگي از اموال فرهنگي كه در اين بازار بزرگ معامله مي‌شوند، نتيجة اقدامهاي غيرقانوني و قاچاق اموال فرهنگي هستند و در اين ميان كشورهايي كه سوابق فرهنگي و تمدني درخشان‌تر و كهن‌تري دارند، بيشتر آسيب مي‌بينند.

به همين سبب، كنفرانس عمومي يونسكو در شانزدهمين اجلاس خود كه به تاريخ 14 نوامبر 1970 در پاريس برگزار شد، كنوانسيوني را در خصوص اتخاذ تدابيري براي ممنوع كردن و جلوگيري از ورود، صدور و انتقال غيرقانوني اموال فرهنگي به تصويب رساند. شكل‌گيري اين كنوانسيون ـ كه به اختصار كنوانسيون 1970 پاريس ناميده مي‌شود ـ بر اين مبنا استوار است كه اموال فرهنگي يكي از عناصر اساسي تمدن و فرهنگ ملتها محسوب مي‌شوند و هنگامي ارزش واقعي خود را احراز مي‌كنند كه منشأ تاريخي و محيط آنها با دقت شناخته شود. الزامهاي چنين نگرشي ايجاب مي‌كند هر دولت اموال فرهنگي موجود در قلمرو خود را در برابر خطرهاي ناشي از سرقت، كاوشهاي پنهاني و صدور غيرقانوني حمايت كند و نسبت به الزامهاي اخلاقي مربوط به احترام ميراث فرهنگي خود و تماي ملتها وقوف بيشتري حاصل نمايد؛ زيرا ورود، صدور و انتقال مالكيت غيرقانوني اموال فرهنگي، اعتماد و تفاهم ميان ملتها را خدشه‌دار مي‌كند.

در پي كنوانسيون سال 72، يونسكو همراه با كشورهاي عضو، تلاشهاي زيادي براي بازگرداندن اموال فرهنگي انجام داده است. اگرچه كشورهاي بسياري عضو كنوانسيون هستند، در عمل در خصوص بازگرداندن اموال فرهنگي كارشكني مي‌كنند.

البته، با حمايت يونسكو قبلاً توانسته‌ايم با كشورهايي همچون تركيه، پاكستان و سوئيس همكاريهاي خوبي داشته باشيم. مثلاً تابلو نقاشي مربوط به دورة قاجار كه با همكاري يونسكو بازگردانده شد. همچنين، بخشي از اموال فرهنگي‌ كه دادگاه قضايي پاكستان آنها را ضبط كرده بود، به كشور بازگشت. نيز بسياري از اموال فرهنگي ايران را در مرز تركيه مي‌توان ذكر كرد كه به ايران برگردانده شد.

در اوايل دهه هفتاد، مسئله بازگرداندن آثار فرهنگي به كشور اصلي در مجمع عمومي سازمان ملل مورد بحث واقع شد. اولين قطعنامه سازمان ملل متحد درباره بازگرداندن آثار فرهنگي به عنوان يك حق اساسي بشر، سخن مي‌راند. بر اساس آنچه در قطعنامه‌اي كه در هجدهمين كنفرانس عمومي يونسكو به تصويب رسيده است، بازگرداندن اموال فرهنگي را با انديشۀ آزاد ملي و احياي هويت فرهنگي مرتبط مي‌داند (مظفري، 1377، ص6).

نكته‌اي كه بايد در نظر داشت اين است كه اقدامهاي يونسكو زماني مي‌تواند به طور كامل عملي و اجرايي شود كه هر دو كشور ـ يعني مبدأ و مقصد آثار فرهنگي ـ عضو كنوانسيون مربوط باشند يا آنكه از طريق انعقاد موافقتنامۀ دوجانبه، مسئله بازگرداندن را ميان خود حل و فصل كنند.

از طريق سازمانهايي مثل سازمان ميراث فرهنگي، بايد تلاشهايي مضاعف به كار برد تا مسئله بازگرداندن اموال فرهنگي ايران تحقق پذيرد. در ماده هشتم وظايف سازمان ميراث فرهنگي آمده است: «اقدامات لازم جهت شناسايي و استرداد اموال فرهنگي ايران در سطح ملي و بين‌المللي از طريق مراجع ذيربط.» (عشيري، 1377، ص 5).

مسائلي چند در خصوص بازگرداندن اشياي فرهنگي مسروقه

قانون الحاق دولت جمهوري اسلامي ايران به كنوانسيون مؤسسه بين‌المللي يكنواخت‌سازي حقوق خصوصي پيرامون اشياي فرهنگي مسروقه يا غير قانوني خارج شد. (مصوب 30/5/79 مجلس شوراي اسلامي)

ماده واحده ـ به دولت جمهوري اسلامي ايران اجازه داده مي‌شود به كنوانسيون مؤسسه بين‌المللي يكنواخت سازي حقوق خصوصي پيرامون اشياي فرهنگي مسروقه يا غيرقانوني خارج شده مصوب سال 1995 ميلادي برابر با 1374 هجري شمسي ـ مشتمل بر يك مقدمه، (21) ماده و (1) ضميمه به شرح پيوست ملحق شود و اسناد مربوط را تسليم نمايد. (صمدي رندي، 1383، ص333).

فصل اول قانون مذكور به حيطه شمول و تعريفهاي مسئله مي‌پردازد:

«ماده1. اين كنوانسيون در خصوص ادعاهايي كه جنبه بين‌المللي دارد، در موارد زير شمول مي‌يابد.

الف) بازگرداندن اشياي فرهنگي مسروقه

ب) اعادة اشياي فرهنگي كه از سرزمين يك كشور متعاهد برخلاف قوانين آن كه ناظر بر صدور اشياي فرهنگي خارج شده، در جهت حمايت از ميراث فرهنگي آن عضو كه از اين پس «اشياي فرهنگي غير قانوني خارج شده ناميده» مي‌شود.

ماده2. از نظر اين كنوانسيون، اشياي فرهنگي، اشيايي است كه به دلايل مذهبي يا غيرمذهبي در زمينه‌هاي باستان‌شناسي، ماقبل تاريخ، تاريخي، ادبي، هنري يا علمي حايز اهميت بوده و به يكي از طبقات در ضميمه اين كنوانسيون تعلق دارد. (صمدي رندي، 1383، صص 334 – 335).

در فصل دوم به موضوع «استرداد اشياي فرهنگي مسروقه» اشاره شد:

«1. دارنده شيء فرهنگي مسروقه، بايد آن را اعاده كند.

2. از نظر اين كنوانسيون، شيء فرهنگي كه طبق قانون كشوري كه حفاري در آن صورت گرفته به طريق غيرقانوني از زير خاك بيرون آورده شده يا به طور قانوني از زير خاك بيرون آورده شده ليكن به صورت غير قانوني نگهداري مي‌شود، نيز مسروقه تلقي مي‌شود.» (صمدي رندي، 1383، ص355).

در بند دوم از ماده 3 فوق، به موضوع نگهداري غير قانوني اشاره صريح مي‌شود، «به رغم آنكه به طور قانوني حفاري شده باشد». لذا پيگيري موارد عديده‌اي كه در اين خصوص وجود دارد جايگاه و خاستگاه قانوني محكمي دارد و مي‌توان براساس آن در محاكم دعاوي بين‌المللي عمل نمود و اشياي فرهنگي مسروقه را مسترد كرد.

در بند 3، به زمان ادعا براي بازگرداندن و موارد مرتبط با آن، اين‌گونه اشاره مي‌شود:

«3. هرگونه ادعا براي استرداد بايد ظرف سه سال از زماني كه محل شيء فرهنگي و هويت دارندة آن براي مدعي مسلم شده و در هر صورت ظرف مدت 50 سال از زمان سرقت، اقامه شود». (صمدي رندي، 1383، ص 355).

مي‌بينيم كه اهميت موضوع آن‌قدر حياتي است كه پس از احراز هويت و مالكيت كشور منشأ، تا پنجاه سال هم مي‌توان موضوع را دنبال كرد. پس در اين‌گونه موارد، اگر اوضاع سياسي ـ اجتماعي گاهي مانع پيشبرد امور شود، فرصت زيادي باقي است تا در مقاطع زماني مناسب، دولتها دوباره يا چندباره موضوع بازگرداندن اموال فرهنگي خود را مطرح نمايند.

2. از طريق اقتصادي

2-1. خريد آثار فرهنگي بويژه نسخه‌هاي خطي از مالكان، واسطه‌ها، فروشندگان با قيمتهايي بهتر و مناسب‌تر از ساير رقبا؛ زيرا ارزش دارد براي بازگرداندن آنها به هر صورت سرمايه گذاري كنيم.

2-2. شركت در حراجي‌ها و بازارهاي بين‌المللي. دولت بايد سرمايه‌گذاري اقتصادي دراز مدتي بدين منظور انجام دهد. بهترين آثار ايراني معمولاً در همين بازارها و حراجي‌ها ارائه و عرضه مي‌شوند كه اگر از آنها غافل بمانيم، به راحتي از دست ما خارج مي‌شوند و امكان بازگشت آنها به كشور بسيار ضعيف مي‌گردد.

3. از طريق فني ـ تخصصي

3ـ1. شناسايي نسخه‌هاي خطي با استفاده از ابزارهاي پيشرفته جستجوي جهان‌شمول كه با معرفي آنها به مسئولان قانوني، راه‌هاي بازگرداندن قانوني و حقوقي آنها دنبال شود.

3ـ2. ايجاد يك پايگاه به عنوان «شبكه حافظه جهاني نسخه‌هاي خطي ايراني موجود در خارج از كشور» تا كاربران ايراني و خارجي بتوانند به اطلاعات مورد نياز خود دست يابند.

3ـ3. بازگرداندن رقومي ميراث فرهنگي به وطن. بايد طرحهايي فراملي در كشور، به طور مشترك توسط كارشناسان حوزه فناوري اطلاعات و نسخه‌هاي خطي انجام شود. از طريق اين‌گونه طرحها، مواد ميراث فرهنگي مكتوب از جمله نسخه‌هاي خطي را كه در ساير كشورها جاي گرفته‌اند، مي‌توان به كشور باز گرداند. اگر چه اين بازگشت، مجازي و الكترونيكي است، هدفهاي آموزشي، پژوهشي و ارائه خدمات تخصصي به كاربران و پژوهشگران حوزه‌هاي مختلف نسخه‌هاي خطي، از اين طريق تأمين مي‌گردد.

3ـ4. نبود نرم‌افزاري جامع و مشترك براي ذخيره اطلاعات نسخه‌هاي خطي ايراني در داخل و خارج باعث شده اطلاعات هر كتابخانه با زباني متفاوت از كتابخانه ديگر باشد. طراحي يك نرم‌افزار كارآمد، مناسب و استاندارد و نيز استفاده همگاني از آن در اين زمينه، مي‌تواند كمك شاياني به يكپارچه‌سازي اطلاعات نسخه‌هاي خطي ايراني ـ در داخل و خارج از كشور ـ نمايد.

4. از طريق فرهنگي ـ سياسي

4-1. فعال كردن سفارتخانه‌ها به طور عام، رايزنيهاي فرهنگي به طور خاص و كارشناسان و چهره‌هاي علمي – فرهنگي به طور ويژه در ساير كشورها به منظور سوق دادن مجموعه‌هاي نسخه‌هاي خطي خارج به داخل كشور، كه كاري مهم، مشكل و در عين حال ضروري به نظر مي‌رسد. تحقق اين امر نيازمند زماني طولاني است كه بايد انجام پذيرد. اين مسئله ديرزماني است از جهتي مخالف و به ضرر كشورهاي مبدأ و منشأ آثار فرهنگي صورت مي‌پذيرفته و ادامه دارد. لذا ما نيز از همان نقطه، يعني روش و طريقي كه آسيب‌پذير شده‌ايم، بايد به مقابله برخيزيم و اين امر در دنياي امروز تجربه شده است.

4-2. تبليغات فرهنگي گسترده در ميان دارندگان آثار ايراني و مالكان خارجي در جهت تفكر بر سر مسائلي چون وطن‌دوستي و عرق ملي، حفظ هويت ملي، توجه دادن به مسئله فرهنگ و تمدن اصيل و كهن ما كه مي‌توانند در آن نقش مؤثر و فعالي داشته باشند. اين مسئله مي‌تواند جنبه‌هاي ذيل را هم در بر بگيرد:

4-2-1. منافع مادي آنان حتماً در نظر گرفته شود.

4-2-2. تشويق و معرفي آنان در گستره جهاني مي‌تواند مؤثر واقع گردد.

4-2-3. اعتمادسازي در بين آنان از طرق گوناگون و از همه راه‌هاي ممكن بايد انجام شود.

چند موضوع پيشنهادي براي پژوهش در اين حوزه

1. ارزيابي و سنجش بسترها، ظرفيتها و موجوديتها در عرصه نسخه‌هاي خطي و مقايسه آن با سطح قابل قبول جهاني، استفاده از تجربه‌هاي ديگران و بومي‌سازي آنها.

2. آموزشهاي متحول شده، نظام مند و كارآمد در حوزة نسخه‌هاي خطي بر اساس نيازهاي امروزين و شكل و صورت دادن به آموزشهاي سنتي و گاه ناكارآمد در اين عرصه.

3. فرايند شناسايي، مجموعه‌سازي، كارشناسي و خريداري نسخه‌هاي خطي از منظرهاي گوناگون نسخه‌شناسي و كتابشناسي و رفع معضلات موجود در اين زمينه‌ها.

4. پردازش و فهرست‌نويسي سنتي و نوين آثار خطي و مقايسه آنها با يكديگر از وجوه مختلف در ذخيره و بازيابي اطلاعات.

5. تمايزهاي خاص كتابهاي خطي با مواد چاپي و ديجيتالي (نسخه‌هاي الكترونيكي)؛ بررسي نقاط قوّت و ضعف هر كدام در اموري همچون ذخيره، پردازش و بازيابي اطلاعات، اطلاع‌رساني و جز آن.

6. سطح دسترس‌پذيري جامعه پژوهشگران و كاربران حوزه نسخه‌هاي خطي به اطلاعات مرتبط و مورد نيازشان و ارزيابي آن، و مقايسة اين دسترس‌پذيري با وضعيت كشورهاي پيشرفته.

7. مديريت دانش در حوزه نسخه‌هاي خطي در كتابخانه‌ها و مراكز علمي و فرهنگي ايران و ارزيابي نقاط قوّت و ضعف اين عرصه در مقايسه با كشورهايي كه از مديريت دانش و كنترل اطلاعات بهينه‌اي برخوردارند.

8. بررسي وضعيت اطلاع‌رساني و خدمات‌دهي كتابخانه‌هاي مهم داراي نسخه‌هاي خطي در سطوح كاربران داخلي و خارجي و ارائه راهكارهايي در جهت ارتقاي كمّي و كيفي وضعيت موجود.

9. ارتقاي سطح توليد دانش و اطلاعات فني ـ تخصصي در حوزة نسخه‌شناسي و كتابشناسي نسخه‌هاي خطي.

10. مسئله اشتراك اطلاعات منابع خطي در سطوح ملي و بين‌المللي.

11. ميزان مصرف اطلاعات در زمينة نسخه‌هاي خطي توسط پژوهشگران و تأثير آن بر روند جاري پژوهشهاي كشور در موضوعات گوناگون.

12. رفتارهاي اطلاع‌يابي و نيازهاي اطلاعاتي پژوهشگران در حوزه نسخه‌هاي خطي در سطوح مختلف و ارزيابي تغييرات آنها در گذشته و حال.

13. ارزشهاي بالقوه و ذاتي حوزة نسخه‌هاي خطي كشور، ارزيابي ظرفيتهاي موجود و رابطة آن با سطح زيرساختهاي علمي و فني فعلي در اين عرصه.

14. بررسي مشكلات آموزشي در حوزة فهرست‌نويسي نسخه‌هاي خطي و تدوين دستورالعملها و روشهايي جديد كه منطبق بر خواستها و نيازهاي جامعه تخصصي كشور در موضوعات گوناگون باشد.

15. سواد اطلاعاتي و نقش آن در استفاده از نسخه‌هاي خطي با تأكيد بر فناوريهاي نوين.

منابع

ـ آل داود، سيد علي (1381). «طرحي ناهماهنگ با واقعيات و منافع ملي». كتاب هفته. ش104 (دي): 6ـ7.

ـ افشار، ايرج (1379). «مالكيت و خريد و فروخت نسخه‌هاي خطي در گذشته.» نامه بهارستان. سال اول، ش 2 (پائيز و زمستان): 47ـ58.

ـ ــــــــــــــــ(1381). «نسخه هاي خطي و خطر قانون، نه موريانه.» اطلاعات. 4 دي، ص 6.

ـ انوار، سيد عبدالله (1381). «نسخ خطي و سرنوشت آن پس از تصويب طرح»، كتاب هفته. ش 104 (دي): 6.

ـ بسروپ، ايوان (1385). «بازگرداندن رقومي (ديجيتالي) ميراث فرهنگي به وطن». ترجمه رضا خاني‌پور. در گزيده مقالات ايفلا، بوينس آيرس، آرژانتين، 22 – 27 آگوست 2004. تهران: كتابخانه ملي ايران: 389ـ398.

ـ بياني، مهدي (1329). «سرگذشت حسرت انگيز يكي از نفيس‌ترين نسخه‌هاي خطي فارسي ايران.» يغما. سال سوم، ش 12 (اسفند): 503 – 505.

ـ جعفريان، رسول (1377). «نسخه‌هاي مهاجر.» جمهوري اسلامي. 20 مهر، ص 11؛ 27 مهر، صص 5 و 13.

ـ حسيني، حميدرضا (1381). «وقت بازگشت.» ايران. 6 آبان، ص 9.

ـ خان محمدي، علي اكبر (1376). «نسخ خطي در قلمرو ميراث فرهنگي». اطلاعات. 25 آبان، ص 6.

ـ صفت‌گل، منصور (1380). «خريدي شگفت انگيز از نسخه خطي منحصر به فرد: غرائب الفنون و ملاح العيون». نامه بهارستان. سال دوم، ش 2 (پائيز و زمستان): 202ـ212.

ـ صمدي رندي، يونس (1383). مجموعه قوانين، مقررات، آئين‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و معاهدات سازمان ميراث فرهنگي كشور. تهران، سازمان ميراث فرهنگي كشور (پژوهشگاه).

ـ عشيري، يزدان (1377). «دولت بايد پاره‌هاي جدا شده از ميراث ملي را به كشور بازگرداند». ابرار، 14 شهريور، ص 5.

ـ قصري، عليرضا (1383). «شاهكارهاي شفاهي ايران به نام ساير كشورها ثبت مي‌شود». ايران. 25 مهر، ص 7.

ـ مسعودي، اكرم (1379). «نسخه‌هاي خطي ميراث و هويت فرهنگي ملتها». كتاب ماه: كليات. ش 36 و 37 (آذرـ دي): 41ـ42.

ـ مطلبي كاشاني، نادر (1381). «خروج نسخه‌هاي خطي از ايران. يادداشت سردبير». نامه بهارستان، سال سوم، ش1 (بهارـ تابستان): 4.

ـ مظفري، محمدحسين (1377). «حقوق ميراث فرهنگي. كار و كارگر». 29 تير، ص 6.

ـ هيروشي، هوشينو (1382). «شيوه ژاپني حفاظت از ميراث فرهنگي معنوي». ترجمه فرهاد مالكي. موزه‌ها. ش 34 (بهار): 48ـ49.

--------------------------------------------------------------------------------

[1]. Bodleian.

[2]. Ivan Boserup.

1. The Manuscriptand the Internet: Digitalrepatriation of Cultural heritage.

1.Nation – State.

1. مدير بخش هنرهاي نمايشي سازمان ملي پژوهش و ميراث فرهنگي ژاپن.